قانون راهبردی آورده‌های نبوی ﷺ و حجّیّت سنّت

علی‌رضا مختاری*

چکیده: به‌منظور اثبات اهمّیّت و حجّیّت سنّت، بازخوانی و تحلیل بیش از ۳۵ تفسیر نشان می‌دهد که مفسّران با آنکه سبب نزول آیهٔ ۷ سورهٔ حشر را دربارهٔ فیء بنی‌نضیر می‌دانند، امّا برآن‌اند که مفاد ذیل آیه، عام است. آرای مفسّران شیعه و سنّی، با اندک تفاوت در جزئیّات و تعبیرات، دربارهٔ چگونگی عمومیّت آیه، علّت وضع قانون آورده‌های حضرت رسول، حیطهٔ نفوذ این قانون و ضمانت اجرایی آن، مشترک است. هیچ مفسّری بر تخصیص آیه به تقسیم فیء تصریح نکرده است. اصل راهبردی آورده‌های رسول اکرم ﷺ، میزانی است برای مسلمانان تا دینداری خود را محک بزنند و باورها و قانونهای زندگی را براساس آن تنظیم کنند. مفسّران، اطاعت بی‌چون و چرا و بدون تردید از آورده‌های حضرت رسول ﷺ را نتیجهٔ ضروری این قانون می‌دانند؛ چرا که پیامبر جز وحی چیزی نمی‌گوید و جز به خیر و صلاح، امر، و جز از شرّ و فساد، نهی نمی‌کند.

---

*. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد فسا، گروه علوم قرآن و حدیث.
Email: dr.ar.mokhtari@iaufasa.ac.ir.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.32.4.0]

کلیدواژه‌ها: آیهٔ «**ما آتاکم الرسول**» / قانون آورده‌های نبوی صلی الله علیه و آله / حجّیّت سنّت / وحی بیانی / معیار مسلمانی.

طرح مسئله

سنّت نبوی جایگاه والایی دارد و اهمّیّت و ارزش آن به‌عنوان دومین منبع تعالیم و احکام اسلامی بسیار بدیهی است؛ امّا این حقیقت با تمام بداهت، مورد انکار بعضی و عدم توجّه برخی دیگر قرار می‌گیرد. عوامل متعدّدی سبب شده است تا برخی افراد، شأن سنّت را نادیده گیرند و برای رسیدن به اسلام ناب، راه‌هایی را برگزینند که مورد نظر شارع مقدّس نیست. این دسته از مسلمانان، برای کنارگذاشتن سنّت، احیاناً مشکلاتی را مطرح می‌کند و به جای حلّ آن، به حذف صورت مسئله می‌پردازند. برای مثال می‌گویند:

> به نظر می‌رسد ما مسلمانان کم‌کم از اسلام فاصله گرفته‌ایم و باورها و احکامی را در آن وارد کرده‌ایم که اصالت ندارد و از اسلام نیست. مشکل بزرگ‌تر این است که شناخت این زواید بسیار سخت است. بنابراین، یکی از راهکارها برای دوری از این باورها و احکام زاید، این است که سراغ مأخذی برویم که هیچ‌گونه شک و تردیدی در اصالت آن نباشد و به قطع و یقین بتوانیم بگوییم از اسلام است. مهم‌ترین مأخذ برای ما مسلمانان، قرآن است. ما به باورهای آن ایمان می‌آوریم و احکام آن را اجرا می‌کنیم؛ زیرا قطعی‌الصدور است. دومین منبع دریافت باورها و احکام در اسلام، حدیث است. امّا به حدیث نمی‌توان اعتماد کرد، چرا که ظنّی‌الصدور است. بنابراین، حدیث را کنار می‌گذاریم.

آنچه مورد نظر مقالهٔ پیش‌روست، اثبات حجّیّت سنّت و توجّه دادن به اهمّیّت سنّت و ضرورت تتبّع و در نتیجه تبعیّت از آن است. البتّه مصیبت غیبت امام عصر ـ عجّل‌الله تعالی فرجه ـ ما را از یقین به صدور بعضی ازاحادیث از معصوم، محروم

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.32.4.0]

کرده است؛ ولی این محدودیّت نمی‌تواند بهانه به دست دهد تا احادیث به کناری روند و شعار بسندگی قرآن سر داده شود. این کلام ناروا، به شکلی دیگر در زمان خود حضرت رسول صلی الله علیه و آله با شعار «**حسبنا کتاب الله**» بیان شده است. نتیجهٔ هر دو شبهه، کنارگذاشتن سخن و سیرهٔ رسول اکرم صلی الله علیه و آله و اکتفا به قرآن کریم است. ببینیم که آیات قرآن نیز با کنارگذاشتن سنّت موافق است؟

قرآن کلام خداوند و معجزهٔ جاودان حضرت رسول صلی الله علیه و آله است. برای تحقّق شعار «**حسبنا کتاب الله**»، باید تمامی قدمها را برداشت و تا آخرین مرحله پیش رفت. اگر پذیرش نظری «کتاب خدا ما را بس است» را نخستین قدم بدانیم، قدم بعد این است که در مقام عمل، به قرآن مراجعه کنیم و نظرش را دربارهٔ سنّت جویا شویم و در نهایت، آن نظر را به مرحلهٔ اجرا درآوریم.

یادآوری می‌شود که دانشمندان شیعه و سنّی بر این اصل قطعی و مسلم اتّفاق دارند که یک آیه از کلام الله کافی است تا مسلمان را ملزم به اجرای فرمانی کند. با بررسی اجمالی آیات قرآن کریم، حدود صد آیه می‌یابیم که با الفاظ و عبارتهای متنوّع، به اطاعت از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمان می‌دهد و بر تأسّیِ بی‌چون و چرا در برابر قول، فعل و تقریر ایشان حکم می‌کند. توجّه به این حجم آیات مؤیّد سنّت، نشان می‌دهد که ظنّی‌الصدور بودن سنّت، جواز ترک آن نمی‌شود و لازم است مسلمانان راهکارهایی را دنبال کنند تا دست کم به علم اطمینانی در صدور حدیث از معصوم دست یابند؛ چرا که ظنّی‌الصدور بودن سنّت یک وضعیّت طبیعی است و حتّی برای بسیاری از شیعیان عصر حضور ائمّهٔ اطهار علیهم السلام نیز دست‌یابی به سنّت واقعی چندان آسان نبوده است.

شکّی نیست که دریافت سنّت حقیقی جز از طریق دیدن معصوم و شنیدن بی‌واسطه از او ممکن نیست و سنّت روایت شده ظنّی‌الصدور است. امّا شارع مقدّس هنگام ارجاع مسلمانان به سنّت، از ظنّی الصدور بودن آن آگاه بوده است.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.32.4.0]

برای جبران این نقیصه، علمای اسلام در حوزهٔ حدیث، به تأسیس علوم و فنون و قواعدی دست زدند تا پس از دست‌یابی به علم اطمینانی و تشخیص حدیث معتبر، آن را معیار مباحث اعتقادی و فقهی قرار دهند.

نبود شناخت کافی از دیدگاه کلام الهی دربارهٔ لزوم پیروی از سنّت، یا عدم توجّه مناسب، موجب شده مسلمانان توجّه لازم و شایسته به سنّت نداشته باشند. از آنجا که بینش براساس شناخت ایجاد می‌شود، بنابراین یکی از بهترین راهکارها برای ایجاد بینشی عمیق‌تر و دقیق‌تر نسبت به سنّت، بازخوانی مدارک حجّیّت سنّت است که از جملهٔ آنها ذیل آیهٔ ۷ سورهٔ حشر است:

﴿**وَ ما آتاکُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ ما نَهاکُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَ اتَّقُوا اللّهَ اِنَّ اللّهَ شَدیدُ العِقابِ**﴾ (حشر (۵۹) / ۷)

و آنچه را پیامبر به شما می‌دهد، بگیرید (و به آن عمل کنید)، و از آنچه شما را نهی می‌کند، خودداری کنید، و تقوای الهی را پیشه کنید. همانا خداوند، در مجازات سختگیر است.

این نوشتار بر آن است تا در مقام بررسی و نقد نظریّهٔ بسندگی قرآن، به تحلیل آرای مفسّران شیعه و سنّی دربارهٔ حکم این آیه ـ که آن را «قانون آورده‌های نبوی» می‌نامد ـ بپردازد و منزلت آورده‌های رسول را در نظام اندیشه و عمل اسلامی نشان دهد.

۲. آرای مشترک مفسّران شیعی و سنّی

مفسّران شیعه و سنّی با بهره‌گیری از روشهای مختلف و متنوّع تفسیری، دربارهٔ این آیه و نتایجی که از فحوای آن در قانونگذاری اسلامی به بار می‌آید، سخنان دقیق و ظریفی دارند. مشترکات آرای این مفسّران به‌طور اجمال به عمومیّت آیه، تعلیل وضع قانون آورده‌های حضرت رسول صلی الله علیه و آله، حیطهٔ سلطنت و نفوذ این قانون و ضمانت اجرایی آن دسته‌بندی می‌شود.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.32.4.0]

۲ـ۱) اهمّیّت قانون آورده‌های نبوی ﷺ

قانون آورده‌های رسول، بیانگر نظریّهٔ قانون اسلامی است. آیه می‌گوید: حجّیّت قانون در اسلام، بر این مبناست که قانون به‌وسیلهٔ حضرت رسول ﷺ آورده شود؛ چه آورده‌ها قرآن باشد یا سنّت. خداوند نه به مردم اجازه و مجال داده است که با آورده‌های رسول، مخالفت ورزند، نه به والی آنها. بنابراین اگر بشر قانونی را قرار دهد که مخالف آورده‌های رسول اکرم ﷺ باشد، حجّیت و ارزشی ندارد؛ چرا که سندیّت اصلی و اوّل، یعنی طریقیّت حضرت رسول ﷺ ـ که حجّیت قانون به خاطر آن ایجاد می‌شود ـ وجود ندارد.

قانون آورده‌های رسول، با تمامی نظریّات بشری که بشر ارایه کرده، در تقابل است؛ چرا که نظریّه‌های سیاسی بشری، مردم را به تنهایی مصدر و مرجع قانونگذاری معرّفی می‌کند، یعنی مردم هستند که قانون مورد نظر خود را وضع می‌کنند و فقط این نحوهٔ قانونگذاری برای بشر حجیّت دارد. امّا در اسلام، حجیّت قانون به شرع الهی برمی‌گردد که توسّط رسول ﷺ عرضه می‌شود. امّت مسلمان براساس این شریعت است که حرکت و زندگی می‌کند و تنها به خاطر اینکه آوردهٔ رسول اکرم ﷺ است، از آن نگهداری، و آن را اجرا می‌کند. والی نیز به‌عنوان نمایندهٔ امّت اسلامی در نگهداری و اجرای آورده‌های حضرت رسول باید به جدّ تلاش کند و از حقوق مردم که در همین چارچوب است، دفاع کند. بنابراین، مردم مجاز نیستند در هیچ قانونی با آورده‌های رسول مخالفت کنند.

امّا گاهی اوقات امری عارض امّت می‌شود که نصوصی در آورده‌های رسول اکرم ﷺ دربارهٔ آن یافت نشود. در این مورد، راه این است که قانونی گذاشته شود که مخالف با هیچ اصلی از اصول آورده‌های حضرت رسول ﷺ نباشد. چنین راهکاری، نه تنها نظریّهٔ «اطاعت از آورده‌های رسول» را نقض نمی‌کند، بلکه شاخه و فرعی از آن قانون شناخته می‌شود.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.32.4.0]

مرجع و معیار در هر نوع قانونگذاری اسلامی به دو امر بر می‌گردد؛ اوّل، تبعیّت از آورده‌های رسول است، اگر نصّی وجود داشته باشد؛ دوم، در صورت نبود نص، مخالفت نکردن با هیچ‌کدام از اصول آورده‌های رسول است. حکومت مردم که والی به نیابت از آنان امور را در دست دارد، منحصر در همین حدود می‌باشد. این نظامی است که قانونگذاری برای مردم را به قانون اساسی آفرینش گره می‌زند تا بین قانون الهی و قانون بشری برخوردی پیدا نکند که موجب بدبختی و نابودی انسان شود و تلاشهایش را به باد دهد.

سیّد قطب می‌گوید:

> آیهٔ آورده‌های رسول، این دو قاعده، یعنی قانون وضع‌شدهٔ خداوندی و قانون وضع‌شده توسّط رسول را در قلوب مؤمنان به مصدر اوّلشان که همانا خداوند است، گره می‌زند و آنان را به تقوا دعوت می‌کند و از عقاب خداوند بر حذر می‌دارد: ﴿**و اتّقوا الله إنّ الله شدید العقاب**﴾. «شدید العقاب» بودن خداوند، ضمانت اجرایی بزرگی است که نمی‌توان چاره‌ای برای دوری از آن پیدا کرد و فراری از آن نیست. (شاذلی. ج ۶، ص ۳۵۲۵)

۲ـ۲) عمومیّت آیه

بسیاری از مفسّران شیعه بر عمومیّت این آیه تصریح کرده‌اند. در تفسیرهای شیعی مورد بررسی، هیچ مفسّری که معتقد به خصوصیّت این آیه بر تقسیم فیء باشد، یافت نشد. اگرچه قانون آورده‌های حضرت رسول ﷺ به دنبال حکم فیء بنی‌نضیر در یک آیه آمده است، امّا حکم آیه عام است و هر آنچه را پیامبر اکرم ﷺ به آن امر و هر چه را نهی می‌کند، شامل است. (نک: طبرسی، **مجمع‌البیان**، ج ۹، ص ۳۹۲؛ و کاشانی، ج ۹، ص ۲۲۴۴؛ مکارم، ج ۲۳، ص ۵۰۷ ـ ۵۰۸)

شیخ طوسی معتقد است که بر اساس آیهٔ ﴿**ما آتاکُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ**﴾، مسلمانان باید به نحوهٔ تقسیم فیء توسّط رسول اکرم ﷺ راضی باشند و نیز هر آنچه را آن

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.32.4.0]

حضرت فرمان می‌دهند، اجرا کنند و از هر چه نهی می‌کنند، خودداری کنند. (نک: طوسی، ج ۹، ص ۵۶۴)

شیخ طبرسی در مجمع‌البیان پس از نقل سخن شیخ طوسی، تأکید می‌کند:

> اگر چه این فرمان دربارهٔ فیء نازل شده است [و در ظاهر، فرمان بر رضایت مسلمانان بر تقسیم پیامبر دارد]، امّا این آیه هر آنچه را پیامبر به آن امر کرده یا از آن نهی کرده است، را شامل می‌شود. (طبرسی، مجمع‌البیان، ج ۹، ص ۳۹۲)

ایشان در جوامع‌الجامع نیز چنین بر فراگیری آیه اصرار می‌ورزد:

> اوّلاً و شایسته این است که آیه در هر آنچه رسول الله ﷺ به آن امر یا از آن نهی می‌کنند، عمومیّت داشته باشد. (همو، جوامع‌الجامع، ج ۴، ص ۲۶۸)

علّامه طباطبایی در مقام الغای خصوصیت آیه، می‌نویسد:

> آیه با چشم‌پوشی از سیاق آن، عام است و تمام احکام امر و نهی را که پیامبر ﷺ آورده است، در بر می‌گیرد. (طباطبایی، ج ۱۹، ص ۲۰۴)

مفسّران سنّی در معنای آیه، سه نظر ارایه کرده‌اند؛ امّا نظریّهٔ عام بودن آیه را بهترین دانسته‌اند و معتقدند این آیه، قانونی است فراگیرندهٔ تمامی اوامر و نواهی حضرت رسول ﷺ. (ابن‌العربی، ج ۴، ص ۱۷۷۳؛ رازی، ج ۲۹، ص ۵۰۷؛ قرطبی، ج ۱۹، ص ۱۷؛ ابوخیان، ج ۱۰، ص ۱۴۲ ـ ۱۴۱؛ بروسوی، ج ۹، ص ۴۲۹؛ محلّی، ج ۱، ص ۵۴۹؛ سیوطی، ج ۶، ص ۱۹۴؛ قاسمی، ج ۹، ص ۱۸۶؛ و طنطاوی، ج ۱۴، ص ۲۹۶ ـ ۲۹۵) هیچ مفسّر سنّی را نیافتیم که بر خصوصیّت آیه بر مورد نزول آن تصریح کرده باشد.

زمخشری از نخستین مفسّران مشهور اهل سنّت است که به فراگیری آیه اشاره کرده و بسیاری از مفسّران بعدی، سخن و استشهاد او را نقل کرده‌اند:

> پسندیده‌تر آن است که آیه، عام و دربرگیرندهٔ تمام آورده‌های رسول ﷺ و نهی او باشد. امر فیء نیز در این عمومیّت وارد می‌شود. از ابن‌مسعود ـ رضی‌الله عنه ـ آورده‌اند که مردی محرم را در ایّام حجّ دید که لباسی بر تن داشت. ابن‌مسعود به او گفت که لباسش را

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.32.4.0]

درآورد. مرد جواب داد: آیه‌ای از کتاب خدا بر من می‌خوانی؟ ابن‌مسعود گفت: بله و آیهٔ ﴿**وَ ما آتاکُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ ما نَهاکُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا**﴾ را بر او خواند. (زمخشری، ج ۴، ص ۵۰۳)

جواب ابن‌مسعود به‌طور دقیق و صریح، حکایت از فهم صحابه و مسلمانان صدر اسلام از عام بودن آیه و لزوم تبعیّت از سنّت نبوی دارد.

مفسّران به‌رغم اینکه فراگیری آیه را پذیرفته‌اند، دربارهٔ عام بودن آن، سخنان متفاوتی آورده‌اند و از راههای مختلف وارد این بحث شده‌اند:

الف) الغای خصوصیّت آیه

آیه دربارهٔ تقسیم فیء و موارد مصرف آن نازل شده است؛ امّا مفسّران بر این باورند که ذیل آیه بنا بر قاعدهٔ «عبرت به عموم لفظ است، نه خصوص مورد»، حکمی عمومی را به عنوان یک قاعده و یک اصل برای تمام زمینه‌های زندگی مسلمانان ابلاغ می‌کند و سند روشن و صریحی است برای حجّت بودن سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله.

شوکانی پس از نقل سخن حسن بصری که آیه را دربارهٔ غنیمت دانسته و سخن سدّی که حکم آیه را پیرامون فیء شمرده است، سخن ابن‌جریج را دربارهٔ فراگیری آیه در تمامی امر و نهی حضرت رسول صلی الله علیه و آله ترجیح داده است. به عقیدهٔ او، اگرچه سبب آیه، خاص است، امّا آنچه مورد توجّه قرار می‌گیرد، عمومیّت لفظ است، نه خصوصیّت موردی که آیه دربارهٔ آن نازل شده است. شوکانی با اظهار شگفتی از پربهره و پرفایده بودن آیه، بر این نکته تأکید می‌کند که هر قانونی که اسلام برای مسلمانان وضع کرده، توسّط حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمده است. (شوکانی، ج ۵، ص ۲۳۶)

ب) دخول حکم فیء در حکم عام

خداوند از ابتدا حکم عامی را نازل کرد تا حکم فیء را هم در آن داخل و مشخّص کند. سیّد محمّد شیرازی تقسیم فیء را به این موارد حصر می‌کند: یا باید

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.32.4.0]

فیء مانند جاهلیّت میان رؤسا تقسیم شود، یا مانند غنیمت میان مسلمانان، یا برای رسول و آلش علیهم‌السلام باشد. اوّلی که ممکن نیست، زیرا موجب احتکار و در اختیار گرفتن سرمایه نزد ثروتمندان می‌شود. دومی هم نفی می‌شود، زیرا مسلمانان برای به دست آوردن آن زحمتی نکشیده‌اند تا در آن حقّی پیدا کنند. پس فقط راه سوم می‌ماند. امّا چون حکم فیء و تقسیم آن زیر نظر حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله بر مسلمانان گران و سخت آمد، خداوند حکم عامی را نازل کرد و حکم فیء را هم در آن قرار داد و فرمود: «و هر حکمی را که پیامبر برایتان آورد، بگیرید و به آن عمل کنید، و از هر چه شما را باز داشت و حرمتش را برایتان روشن ساخت، دوری کنید و مرتکب آن نشوید». (حسینی شیرازی، ج ۵، ص ۳۷۴) خداوند متعال با نزول این آیه، به مسلمانان تذکّر می‌دهد که نه تنها در تقسیم فیء، بلکه در هر حکم دیگر، پیروی از حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله لازم است. (بیضاوی، ج ۵، ص ۲۰۰)

ج) فراگیر شدن حکم خاص

خداوند حکم فیء را نازل کرد و به دنبال آن، حکم آیه فراگیر شد. ابن‌عطیّهٔ اندلسی می‌گوید: عدّه‌ای از انصار دربارهٔ سرزمینهای فتح‌شده سخن گفتند که سهمی از آن هم برای ماست. خداوند متعال برای تأدیب و تربیتشان آیهٔ ﴿**ما آتاکُمُ الرَّسُولُ**﴾ را نازل کرد و آنها را از مخالفت برحذر داشت. سپس معنای آیه برای تمامی اوامر و نواهی حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله فراگیر شد؛ به‌گونه‌ای که گروهی براساس همین آیه، گفتند خمر در کتاب خدا حرام شده است و ابن‌مسعود نیز به استناد همین آیه، زنانی با ویژگیهای خاص را لعن کرد و نیز حکم لباس محرم را معیّن کرد. (ابن‌عطیّه، ج ۵، ص ۲۸۶)

د) ادبیّات عرب و شمول حکم آیه

بر مبنای ادبیّات عرب نیز حکم آیه می‌تواند عام باشد. آلوسی می‌نویسد:
آیه عمومیّت دارد؛ چرا که «ما» عام است. نیز «واو» در ﴿**ما آتاکُمُ**

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.32.4.0]

الرَّسُولُ﴾، واوِ عاطفه نیست، بلکه واو معترضه است که بـه عـنوان تذییل به کار رفته است. به همین جهت ﴿**وَ اتَّقُوا اللّهَ**﴾ به دنبال آن آمد تا تعمیمی بر تعمیم قبل و تأکید بر آن باشد و تمامی آنچه را واجب است از آن پرهیز شود، در برگیرد. (آلوسی، ج ۱۴، ص ۲۴۳ ـ ۲۴۴)

حـتّی اگـر واو را عـاطفه بگـیریم (درویش، ج ۱۰، ص ۳۸)، عـمومیّت آیـه نـقض نمی‌شود، زیرا می‌توان ﴿**ما آتاکُمُ الرَّسُـولُ**﴾ را ورود قـاعدهٔ عـام بـعد از خـاص دانست، یا بنا بر قاعدهٔ اعتبار به عمومیّت لفظ، فراگیری آیه را پذیرفت.

و) تأیید عمومیّت و اطلاق آیه به‌وسیلهٔ روایات

استفادهٔ ائمّهٔ اطهار علیهم‌السلام و برخی صحابه در استشهاد به این آیه در جهت بـیان اوامر و نواهی الهی، نشانگر عمومیّت آیه و الغای خصوصیّت است.

امام صادق علیه‌السلام از این آیه در جهت اثبات وجوب تبعیّت از فرمانهای اخـلاقی رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله استفاده می‌کنند. ایشان بعد از آنکه تشویق به عفو و بخشش می‌کنند و آن را از سنّتهای پیامبران می‌شمارند، سخنی از حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل می‌کنند که: «*با آن کسی که از تو بریده است، رابطه برقرار کن؛ و از آنکه به تو ظلم کرده، درگذر؛ و به کسی که به تو بدی کرده، احسان کن*». سـپس بـا اسـتناد بـه آیـهٔ ۷ سـورهٔ حشـر می‌فرمایند: «*ما امر به تبعیّت از حضرت رسول شده‌ایم.*» (مصباح الشریعه، ج ۱۵۸؛ مجلسی، ج ۶۸، ص ۴۲۳، ح ۶۲)

صحابهٔ حبیب خـدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نـیز آیـه را فـقط بـه تـقسیم غـنایم بـنی‌نضیر مـنحصر نمی‌کردند. نحوهٔ برخورد ابن‌مسعود که لباس احرام مناسب نپوشیده بود و استناد وی به همین آیه، حکایت از فراگیر دانستن این آیه بر تمامی آورده‌های حـضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله توسّط صحابه دارد. (کاشانی، ج ۹، ص ۲۲۸)

نبیّ گرامی اسلام نیز در یک سلسله احادیث، امر و نهی خود را واجب الاتباع دانسته‌اند. طنطاوی ذیل همین آیه، حدیث زیر را از رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل می‌کند:

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.32.4.0]

احدی از شما را چنین نیابم در حالی که بر جای خود تکیه کرده، امری را که به آن فرمان یا از آن نهی کرده‌ام برایش بیاورند و بگوید: نمی‌دانم، چیزی در این مورد در کتاب خدا نیافتیم.

وی این حدیث را از نشانه‌های نبوّت می‌داند و می‌گوید چنین موردی از سوی جاهلان به کتاب خدا و منصب رسالت و از جانب زندیقهایی که راه خدا را می‌بندند، اتفاق افتاده است. (طنطاوی، ج ۱۴، ص ۲۹۶؛ به نقل از حسنین مخلوف، تفسیر صفوت البیان، ج ۲، ص ۴۱۶)

۲ـ۳) تبیین وضع قانون آورده‌های نبوی

آیه نشان می‌دهد که امتثال امر و نهی حضرت رسول صلی الله علیه و آله واجب است (قاسمی، ج ۹، ص ۱۸۶) و خداوند مسلمانان را امر می‌کند تا فرمان پیامبرشان را به‌طور کامل اجرا کنند. (طنطاوی، ج ۱۴، ص ۲۹۵) در تبیین و توجیه فرمان خداوند به مسلمانان در اطاعت مطلق از حضرت رسول صلی الله علیه و آله، مفسّران در عین اتّفاق در مقصود آیه، تعابیر متفاوت دقیق و ظریفی دارند:

الف. فرمان الهی، اساس امر و نهی نبوی

شیخ طوسی و طبرسی علّت را در این می‌دانند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جز به فرمان الهی امر و نهی نمی‌کند. (طوسی، ج ۹، ص ۵۶۴؛ طبرسی، مجمع‌البیان، ج ۹، ص ۳۹۲؛ همو، جوامع‌الجامع، ج ۴، ص ۲۶۸) محیی الدین عربی علّت وضع قانون آورده‌های رسول را در این می‌بیند که امر پیامبر، همان امر خداست و نهی پیامبر هم دقیقاً نهی اوست. (ابن‌عربی، ج ۲، ص ۲۳۸؛ بروسوی، ج ۹، ص ۴۲۹؛ و طیّب، ج ۱۲، ص ۴۷۲)

آیهٔ آورده‌های حضرت رسول صلی الله علیه و آله سخن خدا و سخن رسول را جمع می‌کند و هر دو را از نظر اعتبار و لزوم اجرا، یکسان قرار می‌دهد و شنیدن و اطاعت از امر و نهی هر دو سخن را واجب می‌کند. بنابراین، آیه به این صورت معنی می‌شود: *«اوامری را که پیامبر برایتان آوَرَد، با رغبت تمام بگیرید و انجام دهید، و از هر چه نهیتان کرد، باز*

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.32.4.0]

*ایستید. امر و نهی او، امر و نهی خداست؛ زیرا گفتار پیامبر اکرم*ﷺ *وحی الهی است؛* (مجلسی، ج ۱۶، ص ۳۰۹) *«وی از روی هوای نفس سخنی نمی‌گوید، آنچه می‌گوید، جز وحی از جانب خداوند نیست».* (نجم (۵۳)/ ۳ و ۴) همچنین خداوند در بسیاری آیات می‌فرماید: ﴿**أطیعوا الله و الرسول**﴾، و نیز می‌فرماید: ﴿**و من یعص الله و الرسول فقد ضلّ ضلالاً بعیداً**﴾ (احزاب (۳۳) / ۳۶) بنابراین هرکس اوامر رسول را اجرا کند، نجات یابد و هرکه از نهی او اجتناب ننماید، به هلاکت افتد. (مغنیه، ج ۷، ص ۲۸۷؛ جرجانی، ج ۱۰، ص ۳۰؛ کاشفی، ج ۴، ص ۲۸۰؛ قرشی، ج ۱۱، ص ۹۴؛ طبرسی، **جوامع الجامع**، ج ۴، ص ۶۷۳؛ طباطبایی، ج ۱۹، ص ۲۳۴)

ب) امر و نهی نبوی، معیار شرع

اگر حضرت رسولﷺ به چیزی فرمان دهد، آن مورد، شرعی است و اگر از چیزی نهی کند، انجام آن، شرعی نیست. (ابن‌عربی، ج ۴، ص ۱۷۷۴) به عبارت دیگر، آیه، آورده‌های پیامبر اعظمﷺ را امری از جانب خداوند می‌داند. (قرطبی، ج ۱۹، ص ۱۷ ـ ۱۸؛ مراغی، ج ۲۸، ص ۳۹)

ج) امر به خیر و نهی از شر

پیروی از امر و شرع خداوند، مصالح فراوان و بی‌شمار دارد و بی‌تردید، اقتضای حکمت الهی این است که اوامر و نواهی او براساس این مصالح باشد. ابن‌کثیر امر به خیر و نهی از شر را علّت وضع قانون آورده‌های نبوی می‌داند:

> چون حضرت رسولﷺ فقط به خیر امر می‌کند و تنها از شر نهی می‌کند، خداوند امر فرمود که هر چه را امر کرد، انجام دهید و از هر چه نهی کرد، خودداری کنید. (ابن‌کثیر، ج ۸، ص ۹۷ ـ ۹۸)

۲ـ۴) حیطهٔ سلطنت قانون آورده‌های نبوی

دربارهٔ محدودهٔ نفوذ امر و نهی پیامبر نیز به نظریّات مختلف و در عین حال هماهنگی برمی‌خوریم:

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.32.4.0]

الف) همهٔ اوامر و نواهی نبوی

آیه دربارهٔ تمامی اوامر و نواهی حضرت رسول ﷺ است. ابن‌عربی و قرطبی در این‌باره می‌نویسند:

> لفظ «ایتاء» که در آیه آمده است، اگرچه در لغت به معنای «دادن و بخشیدن» است، امّا مفهوم امر و فرمان را می‌رساند، چراکه در مقابله با آن، آیه می‌فرماید: ﴿**و مانَهاکُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا**﴾. طبیعی است که مقابل نهی، امر است. (ابن‌عربی، ج ۴، ص ۱۷۷۴)

علاوه بر دلیل مقابلهٔ نهی با امر، ابن‌عربی به حدیثی استشهاد می‌کند که آن را صحیح می‌داند. وی نقل می‌کند که ابن‌مسعود زنانی با ویژگی‌های خاص را لعن کرد. زنی از او توضیح خواست. ابن‌مسعود گفت: چرا من لعن نکنم آنانی را که رسول خدا لعن کرده و در قرآن نیز آمده است؟ زن می‌گوید: من همهٔ قرآن را خوانده‌ام و چنین چیزی ندیده‌ام. ابن‌مسعود پاسخ می‌دهد: اگر درست خوانده بودی، حتماً آن را می‌یافتی! آیا نخوانده‌ای ﴿**ما آتاکُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ ما نَهاکُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا**﴾

استشهاد قرطبی به این کلام حضرت رسول ﷺ است:

> هنگامی که به امری شما را فرمان دادم، هر چه در توان دارید برای اجرای آن به‌کار گیرید و چون شما را از چیزی نهی کردم، از آن اجتناب و دوری کنید. (قرطبی، ج ۱۹، ص ۱۸ ـ ۱۹)

جهت فعل نیز در تبعیّت از نبی مکرم مورد توجّه قرارگرفته است. برخی بر آن‌اند که تبعیّت از حضرت رسول ﷺ در واجبات عینی، واجب عینی است و در واجبات کفایی، واجب کفایی است و در واجبات، واجب است و در مستحبات، مستحب است. بنابراین اگر جهت افعال آن حضرت را بدانیم، بر همان وجه از ایشان تبعیّت می‌کنیم. امّا اگر جهت فعلشان را ندانیم، فعلشان را بر کمترین وجه افعال که اباحه است، تطبیق می‌دهیم. (بروسوی، ج ۹، ص ۴۲۹)

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.32.4.0]

ب) تمامی اصول اعتقادی و عملی

عمومیّت آیه، نه تنها اوامر و نواهی پیامبر در غیر مورد فیء را شامل می‌شود، بلکه تمامی اصول عملی و اعتقادی را در بر می‌گیرد. بروسوی از مفسّرانی است که به این رأی تصریح می‌کند.(بروسوی، ج ۹، ص ۴۲۹)

ج) فراگیری آیه به تمامی زندگی

نتیجهٔ منطقی نفوذ قانون آورده‌های نبوی بر تمامی اصول اعتقادی و عملی و اوامر و نواهی نبوی، ضرورت همپوشانی زندگی یک مسلمان و آورده‌های نبوی است. طنطاوی دایرهٔ نفوذ آورده‌های حضرت رسول صلی الله علیه و آله را به تمامی زندگی می‌کشد:

> «**آتاکم**» از اتیان است و منظور این واژه در اینجا، آورده‌های حضرت رسول صلی الله علیه و آله از هدایتها و قانونها و آداب است. طبیعی است که قسمت کردن فیء بنی‌نضیر میان مهاجران، و حذف انصار در این قسمت، نخستین موردی است که در این دستور وارد می‌شود. (طنطاوی، ج ۱۴، ص ۲۹۵)

به عقیدهٔ وی بر مبنای این آیه، تمامی امور واجب است از سنّت پیامبر تبعیّت شود؛ سنّتی که صحت آن ثابت شود. (همو، ج ۱۴، ص ۲۹۶)

بر طبق این اصل اعتقادی، همهٔ مسلمانان موظّف‌اند اوامر و نواهی پیامبر صلی الله علیه و آله را در همهٔ زمینه‌های مربوط به مباحث حکومتی، اقتصادی، اعتقادی، عبادی، اخلاقی و غیر آن به گوش جان بشنوند و اطاعت کنند. به‌خصوص که در ذیل آیه، کسانی را که مخالفت کنند به عذاب شدید تهدید کرده است. (مکارم‌شیرازی، ج ۲۳، ص ۵۰۷)

د) معیار مسلمانی، پیروی از سنّت نبوی

مفسّران با الغای خصوصیّت ذیل آیه، آن را قاعده و اصلی معرّفی می‌کنند که میزان التزام مسلمانان به اسلام را تعیین می‌کند. طبق این قاعده، رسول در مواردی

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.32.4.0]

که وحی الهی به او رسیده و در حکمی که وضع کرده است، مصدر قانونگذاری است، خواه آن حکم را خدا نازل کرده باشد و خواه وضع حکم را به او سپرده باشد. مسلمانان نیز به‌عنوان مسلمان، چاره و اختیاری ندارند مگر آنچه را پیامبر آورده است بگیرند و عمل کنند و از آنچه نهی کرده است، خودداری کنند.

قانون آورده‌های حضرت رسول ﷺ جایگاه اسلام را در شخصیّت مسلمان استحکام می‌بخشد؛ به این نحو که در درون مسلمان بینشی حاکم می‌کند که مرز بین اسلام و غیر آن را برایش روشن می‌شود. مسلمان براساس این اصل اسلامی، جایگاه خود را به‌عنوان یک مسلمان شناسایی می‌کند و با تسلیم و تواضع و خشوع در برابر سنّت نبوی در گمراهه‌ها تلف نمی‌شود.(فضل‌الله، ج ۲۲، ص ۱۰۸ ـ ۱۰۹)

آیه قانونی است قاطع و عام و مطلق که مؤمنان را به آنچه شایستهٔ آنان است، یعنی ولایت و اطاعت از حضرت رسول ﷺ، و رضایت و رغبت به اوامر ایشان، توجّه می‌دهد. بنابراین، امتثال و اطاعتِ بی چون و چرا و تردید، حقّی است برای نبی مکرّم ﷺ که خداوند آن را بر مؤمنان واجب کرده است (رستگار جویباری، ج ۴۵، ص ۵۷) و ایمان مسلمان به میزان تقیّد به این قانون سنجیده می‌شود.

هـ) قرآنی بودن سنّت نبوی

جمال الدین قاسمی گوید برخی از علما بر آن‌اند که براساس این آیه، هر سخنی که صدور آن از حضرت رسول ﷺ ثابت شود، صحیح است که گفته شود آن سخن در قرآن باشد. امّا خود قاسمی این باور را از غلوهای اهل حدیث و از نوع اغراق در استنباط می‌دانند. (قاسمی، ج ۹، ص ۱۸۶)

در نقد سخن قاسمی باید گفت، اگر منظور علما این است که حدیث قسمتی از قرآن است، حق با قاسمی است؛ امّا اگر گفتهٔ علما به معنای این است که حدیث نبوی، نوعی وحی الهی است، هیچ غلو و اغراقی در این استنباط نیست؛ چنان‌که از حدیث، به «وحی بیانی» یاد می‌شود.(نک: نجم (۵۳) / ۴ ـ ۳؛ نحل (۱۶) / ۴۴)

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.32.4.0]

علّامه مجلسی با اشاره به وجود اجمال و تفصیل در کلام خداوند، در تفسیر آیهٔ ﴿**ما فَرَّطنا فِي الكِتابِ مِن شَيءٍ**﴾ می‌نویسد:

> منظور از «کتاب» همان قرآن است؛ زیرا تمام آنچه در امور دین و دنیا مورد نیاز است، در آن به‌صورت مجمل یا مفصّل آمده است. موارد مجمل بر زبان نبی اکرم صلی الله علیه و آله تبیین شده است، و خداوند در آیهٔ ﴿**ما آتاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ ما نَهاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهوا**﴾ امر به تبعیّت از پیامبر کرده است. (مجلسی، ج ۷، ص ۲۵۵)

واقعیّت این است که قرآن را به وسیلهٔ سنّت که همان کردار و گفتار پیغمبر صلی الله علیه و آله است، باید شناخت و طبق آن عمل کرد و بدون توضیح و تبیین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، هیچ‌کدام از احکام الهی را نمی‌توان اجرا کرد. (عاملی، ج ۸، ص ۲۲۹) بنابراین وحی بیانی، تفصیل وحی قرآنی و مبیّن آن است. امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرمایند:

> پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از دنیا نرفتند تا آنکه خداوند مقامشان را کامل گردانید و درجات او را بالا برد، به‌گونه‌ای که خداوند یاد نمی‌شود، مگر اینکه پیامبر نیز همراه او ذکر می‌شود. خداوند، پیروی از دین پیامبر را واجب کرد، و اطاعت او را به اطاعت از خودش متّصل کرد و فرمود: ﴿هر کس از پیامبر اطاعت کند، از خداوند اطاعت کرده است﴾، و نیز فرمود: ﴿آنچه را پیامبر برایتان می‌آورد، بگیرید و از آنچه نهیتان می‌کند، خودداری کنید.﴾ پیامبر نیز رسالت خداوند ـ عزّوجلّ ـ را ابلاغ کرد و برهان ولایتش را آشکار گردانید و آیاتش را محکم کرد و شرایع و احکامش را تشریع کرد و مردم را به راه نجات و درِ هدایت و حکمت الهی راهنمایی کرد. (مجلسی، ج ۳۰، ص ۶۳)

و) اعتبار یکسان نصّ قرآنی و نصّ نبوی

نصّ قرآنی و نصّ نبوی از جهت پیروی، از یک اعتبار برخوردارند. خداوند در این آیه به قاعده‌ای کلّی و اصلی عمومی امر کرد. بنابراین قاعده، تبعیّت از آورده‌های حضرت رسول صلی الله علیه و آله و مخالفت با او بر هیچ کس حلال نیست. این قاعده

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.32.4.0]

می‌گوید: نصّ رسول اکرمﷺ در حکم بر چیزی، مانند نصّ خداوند تعالی است. هیچ اجازه و عذری برای انسان در ترک نصّ و حکم او نیست و جایز نیست مقدّم کردن گفتار احدی بر گفتار رسول اکرمﷺ. (ناصری، ج ۱، ص ۱۰۲۴)

۲ـ۴) ضمانت اجرایی قانون آورده‌های نبوی

به دنبال اعلام قانون آورده‌های رسول، خداوند امر به تقوای الهی می‌کند؛ تقوایی که آبادی قلب و روح و دنیا و آخرت و سعادت دایمی و رستگاری بزرگ را موجب می‌شود. تقوایی که اگر رعایت نشود، بدبختی ابدی و عذاب همیشگی را به دنبال خواهد داشت. مفسّران ﴿**وَ اتَّقُوا اللهَ اِنَّ اللهَ شَدیدُ العِقاب**﴾ را تأکیدی بر ﴿**ما آتاکُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ ما نَهاکُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا**﴾ می‌دانند و دو نظر عرضه کرده‌اند:

الف) خداوند مؤمنان را از مخالفت با خود بر حذر می‌دارد. انتهای آیه به شدّت از مخالفت با خواست خداوند متعال و از نافرمانی او نهی می‌کند و این در حالی است که نبیّ اعظمﷺ ترجمان ارادهٔ الهی برای خیر بندگان و سعادتشان در دنیا و آخرت است. (مراغی، ج ۲۸، ص ۴۰) در این صورت، آیه چنین معنی می‌شود: ﴿*و بترسید از خداوند در ترک معاصی او و انجام طاعاتش؛ همانا خداوند نسبت به کسی که نافرمانی‌اش کند و اوامرش را ترک کند، شدید العقاب است.*﴾ (طوسی، ج ۹، ص ۵۶۴؛ طبرسی، مجمع‌البیان، ج ۹، ص ۳۹۲)

ب) خداوند به مؤمنان نسبت به عاقبت سوء نافرمانی از رسولش هشدار می‌دهد. در این صورت، تهدید آیه متوجّه کسانی است که امر و نهی حضرت رسولﷺ را ندیده می‌گیرند. (طبرسی، جوامع‌الجامع، ج ۴، ص ۲۶۸؛ طبرسی، ج ۲۸، ص ۲۷) تذکّر به ﴿**وَ اتَّقُوا اللهَ**﴾، تحذیر خداوند از نافرمانی از رسول است. جملهٔ ﴿**اِنَّ اللهَ شَدیدُ العِقاب**﴾ نیز تهدیدی است برای آنان که نافرمانی می‌کنند و توصیهٔ آیه را نمی‌پذیرند و تأکیدی بر قانون آورده‌های رسول است. (ابن کثیر، ۵۱۰؛ طباطبایی، ج ۱۹، ص ۲۰۴؛ حسینی‌شیرازی، ج ۵، ص ۳۷۴؛ طبرسی، ج ۲۸، ص ۲۷؛، قرطبی، ج ۱۹، ص ۱۹)

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.32.4.0]

۳. نتیجه‌گیری

قانون آورده‌های نبوی ما را با این حقیقت آشنا می‌کند که از نظر قرآن و مفسّران شیعه و سنّی، ترک سنّت هیچ توجیهی ندارد. برای رسیدن به سنّت معتبر و صحیح، راهی سخت و مشکل را باید پیمود. کنارگذاشتن سنّت به خاطر وجود این مشکلات، و مراجعه به آراء و افکار بشری فارغ از وحی الهی، پاک کردن صورت مسئله است. ظنّی‌الصدور بودن، دلیل کافی برای کنارگذاشتن سنّت نیست. حذف سنّت، نه تنها ساده‌ترین و بهترین راه برای وصول به معارف ناب اسلامی نیست، بلکه منجر به ورود و انتساب آراء و افکاری به دین می‌شود که از فطرت الهی و دین استوار اسلام بسیار دور است. حضرت رسول ﷺ به فرمان الهی، معارف اعتقادی و عملی را برای بشریّت به ارمغان آوردند، از این‌رو آورده‌های نبوی معیار شرع الهی است و حکمت خداوندی هم اقتضا می‌کند که امر به خیر و نهی از شر، اساس این آورده‌ها باشد.

میزان تقیّد به قانون آورده‌های نبوی، معیاری دقیق برای تعیین سطح ادّعای مسلمانی مسلمان است؛ چراکه طریق مسلمانی در پیروی از سنّت نبوی است. این سنّت، آیینهٔ خواست و شرع الهی است. مسلمان در مقام پیروی و عمل، هیچ تفاوتی بین قرآن و سنّت نمی‌گذارد. قرآن در آیهٔ هفت سورهٔ حشر، به‌روشنی اعلام می‌کند که تقوای الهی در به‌کارگیری سنّت نبوی در زندگی است و خداوند متعال عقاب شدید خود را برای نافرمانان و منحرفان از آورده‌های حضرت رسول ﷺ به‌کار خواهد گرفت.

فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. آلوسی بغدادی، سیّد محمود. روح‌المعانی فی تفسیر القرآن‌العظیم و السبع‌المثانی. تحقیق: علی عبدالباری عطیه. بیروت: دارالکتب العلمیّة، ۱۴۱۵ ق.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.32.4.0]

۲. ابن‌عربی، ابوعبدالله محی‌الدین محمّد. **تفسیر ابن‌عربی**. تحقیق: سمیر مصطفی رباب. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق.

۳. ابن‌العربی، محمّدبن عبدالله‌بن ابوبکر. **احکام القرآن**.

۴. ابن‌عطیه اندلسی، ابومحمّد عبدالحق‌بن غالب. **المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز**. بیروت: دارالکتب الاسلامیّة، ۱۴۲۲ ق.

۵. ابن‌کثیر دمشقی، عمادالدین ابوالفداء اسماعیل‌بن عمر. **تفسیر القرآن العظیم**. تحقیق: محمّدحسین شمس الدین. بیروت: دارالکتب العلمیّة و منشورات محمّدعلی بیضون، ۱۴۱۹ ق.

۶. ابوجعفر محمّدبن جریر طبری. **جامع البیان فی تفسیر القرآن**. بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۲ ق.

۷. ابوحیان، اثیرالدین محمّدبن یوسف نفزی غرناطی اندلسی. **البحر المحیط في التفسیر**. تحقیق: صدقی محمّد جمیل، بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۰ ق.

۸. امام صادق، جعفربن محمّد علیه‌السلام. **مصباح الشریعه**. بیروت: الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۰ ق

۹. بروسوی، اسماعیل حقی. **تفسیر روح البیان**. بیروت: دارالفکر.

۱۰. بیضاوی شیرازی شافعی، ابوالخیر عبدالله‌بن عمربن محمّد. **انوار التنزیل و اسرار التأویل**. تحقیق: محمّد عبدالرحمن المرعشلی. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ ق.

۱۱. جرجانی، ابوالمحاسن الحسین‌بن الحسن. **جلاء الاذهان و جلاء الاحزان (تفسیر گازر)**. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۷ ش.

۱۲. حسینی شیرازی، سیّد محمّد. **تقریب القرآن الی الاذهان**. بیروت: دارالعلوم، ۱۴۲۴ ق.

۱۳. درویش، محیی الدین. **اعراب القرآن و بیانه**. سوریه: دار الارشاد، ۱۴۱۵ ق.

۱۴. رازی، ابوعبدالله فخرالدین محمّدبن عمر. **مفاتیح الغیب**. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.

۱۵. رستگار جویباری، یعسوب الدین. **تفسیر البصائر**. قم: مطبعه الاسلامیه، ۱۴۱۳ـ۱۳۹۹ ق.

۱۶. زمخشری، ابوالقاسم جارالله محمودبن عمربن محمّد. **الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقاویل فی وجوه التأویل**. بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ ق.

۱۷. سیوطی، ابوالفضل جلال‌الدین عبدالرحمن‌بن ابی‌بکر. **الدرّ المنثور فی تفسیر المأثور**. قم: کتابخانه

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.32.4.0]

آیة‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.

۱۸. شاذلی، سیّدبن قطب‌بن ابراهیم. **فی ظلال القرآن**. بیروت و قاهره: دار الشروق، ۱۴۱۲ ق.

۱۹. شبر، سیّد عبدالله. **تفسیر القرآن العظیم**.

۲۰. شوکانی، محمّدبن علی‌بن محمّد. **فتح القدیر الجامع بین فنی الروایة و الدرایة من علم التفسیر**. دمشق و بیروت: دار ابن‌کثیر و دارالکلم الطیب، ۱۴۱۴ ق.

۲۱. طباطبایی، سیّد محمّدحسین. **المیزان في تفسیر القرآن**. قم: جامعه مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم، ۱۴۱۷ ق.

۲۲. طبرسی، ابوعلی فضل‌بن حسن. **جوامع الجامع**. تهران: دانشگاه تهران و مدیریت حوزهٔ علمیهٔ قم، ۱۳۷۷ ش.

۲۳. طبرسی، ابوعلی فضل‌بن حسن. **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**. تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.

۲۴. طنطاوی، سیّد محمّد. **التفسیر الوسیط للقرآن الکریم**.

۲۵. طوسی، محمّدبن حسن. **التبیان فی تفسیر القرآن**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۲۶. طیب، سیّد عبدالحسین. **اطیب البیان فی تفسیر القرآن**. تهران: اسلام، ۱۳۷۸ ش.

۲۷. عاملی، ابراهیم. **تفسیر عاملی**. تهران: کتابفروشی باستان، ۱۳۶۳ ش.

۲۸. فضل‌الله، سیّد محمّدحسین. **تفسیر من وحی القرآن**. بیروت: دارالملاک للطباعة و النشر، ۱۴۱۹ ق.

۲۹. قاسمی، محمّد جمال‌الدین. **محاسن التأویل**. تحقیق محمّد باسل عیون السود. بیروت: دار الکتب العلمیّة، ۱۴۱۸ ق.

۳۰. قرشی، سیّد علی‌اکبر. **تفسیر احسن الحدیث**. تهران: واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت، ۱۳۶۶ ش.

۳۱. قرطبی، ابوعبدالله محمّدبن احمد انصاری. **الجامع لاحکام القرآن و المبین لما تضمّنه من السنة و آی القرآن**. تهران: ناصر خسرو، ۱۳۶۷ ش.

۳۲. کاشانی، ملّا فتح‌الله. **منهج الصادقین فی الزام المخالفین**. تهران: کتابفروشی محمّدحسن علمی، ۱۳۳۶ ش.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.32.4.0]

۳۳. کاشفی سبزواری، کمال‌الدین حسین‌بن علی. **تفسیر مواهب علیه (تفسیر حسینی)**. تهران: کتابفروشی اقبال، ۱۳۱۷ ش.

۳۴. مجلسی، محمّدباقر. **بحارالانوار الجامعة لدر اخبار ائمة الاطهار**. بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.

۳۵. محلّی، جلال‌الدین و سیوطی، ابوالفضل جلال‌الدین عبدالرحمن‌بن ابی‌بکر. **تفسیر الجلالین**. بیروت: مؤسسة النور للمطبوعات، ۱۴۱۶ ق.

۳۶. مراغی، احمدبن مصطفی. **تفسیر المراغی**. بیروت: دار احیاء التراث العربیة.

۳۷. مغنیه، محمّدجواد. **التفسیر الکاشف**. تهران: دارالکتب الاسلامیّة، ۱۴۲۴ ق.

۳۸. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. **تفسیر نمونه**. تهران: دارالکتب الاسلامیّة، ۱۳۷۴ ش.

۳۹. ناصری تمیمی آل سعدی، عبدالرحمن‌بن ناصربن عبدالله. **تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر الکتاب المنان**. بیروت: مکتبة النهضة العربیّة، ۱۴۰۸ ق.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.32.4.0]